

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

آزاد ل.

۰۶ جولای ۲۰۱۸

## انتخابات؟ در افغانستان! یعنی چه؟

انسان تنها از ره آگاهی می تواند به شأن سزاوارش دست یابد. - مارکس

۱- در کشور مصیبت و غمزه ما از مدتها به اینطرف برای چندمین بار زمزمه (انتخابات) به وجود آمده و هموطنان شریف ما بدون در نظر داشت (ماهیت دولت) در مجموع و دولت فعلی افغانستان به شکل خاص و مشخص دست نشانده مستقیم استعمار که همه تحت تأثیر یک رهبری خاین، بی وجدان، بی ناموس و شرفباخته ها هستند سخن گفته و خواهان برگزاری انتخابات و رأی دهی و یا عدم آن شده و هر کدام دلایل خود شان را داشته اند البته نباید فراموش کرد که ممثلین این دستگاه به اصطلاح (دولت اسلامی) که ظاهراً در روی پرده سیاست (آگاهانه، خاینانه و وطنفروشانه) می رقصدند همه مطلقاً بدون اجازه بادران شان مثل: پاکستان، ایران، ترکیه، انگلستان، امریکا و ... که سالها است از توجه آنها بر خوردار بوده و با قربانی نمودن منافع ملی و بازی با سرنوشت تاریک مردم بیچاره و مظلوم ما همه چیز را در اختیار آنها قرار داده و برای بقای خود به ساز ۴۶ کشور متجاوز می رقصدند از خود کدام صلاحیت عملی نمودن هیچ کاری را ندارند.

گروهائی که به انتخابات در کشور مستعمره شده ما تأکید می ورزند: عبارت اند از شرفباخته ها و زورمندان مسلط!! و هم تعدادی از خوشبایوران پاکدل مردم ما که با صداقت و دور از همه معلومات ملی و بین المللی در مورد سیاست، اقتصاد، اجتماع، فرهنگ، طبقات و تضاد های طبقاتی در جهان و کشور ما بی خبر و صادقانه امید وار هستند که ممکن در این دور انتخابات آدم نما هائی به میان بیایند که شفا دهنده درد ها و زخم های بی درمان آنها باشند؟ غافل از این که در جامعه ما که همه شرفباختگان و نوکران بیگانگان امروز قدرت را به دست دارند و بدون اوامر و رهنمود های بادران شان یک گام هم نمی توانند بر داشته و کاری در جهت مثبت زندگی و به نفع توده ها انجام دهند فکر می کنم قبل از اظهار هر نظری ببینیم اعضای ترکیب دهنده فعلی دولت ارتجاعی و دست نشانده کی ها هستند؟ و سه رکن اساسی که دولت را می سازند کی ها؟ با کدام سابقه؟ و روی چه منظوری شرایطی به این مقام ها رسیده و چه کارهائی انجام داده اند؟؟

مثلاً در صدر رهبری دولت غنی احمد زی، نوکر روشن و مستقیم امریکا، عبدالله فیشنی، شورای نظاری نوکر ایران و هند که خیانت هایش به همه آشکار شده است، رشید دوستم، گلم جمع غلام حلقه به گوش ترکیه، پسر خوانده خواجه

ئین ربانی خم چشم و (خالد بن ولید، صبغة الله مجددی که آباء و اجدادش به نوکری انگلیس ها معروف هستند) و این فرزند نا خلف که خدمات گزار صادق به باند (دموکراتیک خلق) و نوکر مشخص و ثابت به ببرک خم چشم و سگ روسی، نجیب قاتل جنایات پیشه مشهور به (نجیب گاو) بوده است فکر نمی کنم کسی در کشور از بی ناموسی ها و جنایاتش بیخبر باشد، سرور دانش، (به او می گویند: قانون دان) این که چه نوع قانونی را می داند؟ نمی دانم؟ شاید منظور آن جانوران که او را ملقب به این ساخته اند، قانون دان جنگ؟ سر بریدن ها ، رقص مرده ها و ... باشد، احمد خان شخص مشخص حزب اسلامی به رهبری گلبدین شر فباخته،! حاجی محقق؟؟ این جنایتکار واقعی در کشور با بدترین سابقه انسان کشی همدیف سیاف قرار می گیرد.

حنیف اتمر قاتل و شر فباخته پرچمی و نماینده "آی اس آی" و "گ جی بی" که این در خدمت "ام. آی. ۶" نیز قرار گرفته و اکثر تصمیم گیری های دولت مزدور (بعد از تأیید شدن بادران و متجاوزین) توسط او اعمال می شود این همه خابن کدر رهبری دولت زائیده شده از بطن امریکا توسط جان کری در این کشور غمزده و مصیبت زده ما را تشکیل می دهند

قوه مقننه: یعنی شورای به اصطلاح ملی؟؟ از یک تعداد گرگ ها و جانورانی تشکیل گردیده که در دفاع از منافع دولت و فرار شان از چنگال عدالت مردمی می باشند آنها که تمام عمر کثیف شان پر چپاول زندگی و هستی مردم محروم و زجر کشیده ما گذشته است، مثل ابراهیمی، ظاهر قدیر، یاسینی، حضرت علی ، پدram، کشاف، احمد زی، بارکزی، و ... قاچاقبرانی مثل فوزیه کوفی و چپاول گران دارائی عامه مثل (داوی) شوهر بارکزی؟ شمارش همه این گدی های رقصنده و خابن به مردم کاری است وقت گیر و خسته کن، پس دوستانی که این نوشته را مطالعه می فرمایند یکی لطف نموده و (آدمی) را در پارلمان پیدا و نشان دهند که حد اقل ۳۰ در صد آدم شریف باشد از او و عملکرد هایش اگر دفاع نمی کنند حد اقل واضح کننده شخصیت و عملکرد هایش می تواند باشد.

قدرت اجرایی هم که ماه و سالها است به پرچمی ها، خلقی ها، شورای نظاری ها وحدتی ها و ... دست به دست می گشت همه متشکل از خابنان و جاسوسان ایرانی، پاکستانی، انگلیس، ترکی، هندی، چینی، و... بوده است، اگر کسی منکر است بیاید و شرافتمندانه موضوع را طرح تا با هم صحبت نمایم البته نه مثل نوکر های شیوخ عرب؟؟ که فقط چرندیاتی را پشت سر هم می کنند و می جفند و هر گز انتقاد سالم را نمی پذیرند و هیچ وقت و در هیچ شرایطی حاضر به بحث نیستند، چون اگر چنین کنند؟ ایشان خجالت و شرمنده و طرز و تطبیق تفکر امپریالیستی و زور مندان بین المللی ناقص می شود

همچنان قوه قضائیه که مدتهاست از نمایندگان وحشی احزاب اسلامی تشکیل گردیده است یک عمل شرافتمندانه ، ملی ، انسانی و عدالت پسندانه را انجام نداده اند، چنان که از ایشان چنین توقعی هم نمی رفت

کنون دولت دست نشانده و غیر مشروع مشمول هر سه قوه خواسته اند برای اعمال دو باره قدرت، جاسوسی و خدمتگذاری به بیگانگان مغرض به انواع و اشکال گوناگون ماهرانه نقشه های خابنانه ای را طرح و عملی سازند که با همین انتخابات به اصطلاح (آزاد) خواسته اند برای بار دیگر زمام امور را به دست گرفته و با سر نوشت مردم خوشباور ما به یک شکل دیگر به بازی بپردازند

آنانی که (مردم) در مشروع بودن انتخابات و سهم گرفتن ملت در این پروسه سعی داشته اند (با در نظر داشت ماهیت دولت) به امید این که باید در این انتخابات شرکت نمود و شخصی که شخصیتش را فروخته باشد و ممکن؟؟ مصدر خدمت به این کشور شود و مبارزات پارلمانی شان نتیجه مثبت بدهد باید او را انتخاب نمود؟ و همچنان آنهایی که می خواهند به نمایندگی از مردم در پارلمان و شورا های ولایتی به کرسی برسند (با خوشبآوری) بر این عقیده استوار

هستند، اینها نمی دانند که در جامعه ای مثل کشورما در هیچ زمانی تحت حکمروائی هیچ زمامداری انتخابات (آزاد ، مردمی و عادلانه) صورت نگرفته است با چنین دولت باید از راه قهر آمیز بر خورد شود نه عذر و زاری از تریبون پارلمان؟؟

البته مردم داغیده و قربان شده مظلوم استعماری این انتخابات را محکوم و میل ندارند کسی در این انتخابات شرکت کند؟ و قربانی در این راه به اصطلاح (دمو کراسی غربی) شوند.

سازمانهای انقلابی و وطنپرستانی که با درک این واقعیت که (دولت دست نشانده استعمار که متشکل از همه زور مندان و شرفباخته های این مرزو بوم هستند) چه ماهیتی داشته و انتخابات در چنین شرایط و زیر تسلط و اداره چنین دولت دست نشانده به رهبری امپریالیسم جهانی و تجاوز ۴۶ کشور به این مرز و بوم چه نتیجه ای برای توده های مردم خواهد داشت؟؟ این انتخابات را غیر ملی، غیر اجتماعی، غیر حقوقی و غیر انسانی دانسته و آن را نفی می کنند. به هر صورت! این انتخابات هرچه باشد و به هر شکل و فورمی که بر گذار شود نادرست، غیر عادلانه و دور از هر نوع حقانیت خواهد بود.

تعدادی هم از این گرگ های درنده مثل سیاف، گلبدین، اسماعیل، عطای نور، مسعودی ها، قانونی، امر الله، جمعه گل همدرد، خلیلی، محقق، و... چهار چشمه مواظب هستند تا به هر نحوی باشد رقیبان شان را مغلوب و خود به این مقامها از وکالت تا ریاست جمهوری برسند و یاهم در رکاب یکی دیگر از وطنفروشان اشتهای کاذب شان را فقط اندکی تسکین داده و آرزو دارند تا در خیانت ملی سهم بیشتر داشته و جیب های شان را پر تر سازند

با اندک توجه خواهیم دید که همه رأی دهندگان مردمی اند که در یکی از چوکات های تنظیم های اسلامی خاین به وطن، ملت و شرافت بوده و اکنون هم می خواهند دو باره همان مهره اصلی را که رهبری شان را به عهده داشته بر سر کار آورند و همچنان مردمان خوش باور و خوش قلب ما که نسبت نا آگاهی از ترکیب اجتماعی به امید نجات خود از این وضع فلاکت بار و امید به یک آینده بهتر به پای صندوق های رأی دهی خواهند رفت.

کاندید ها هم آنانی خواهند بود که زمانی در رأس کشتار مردم در چوکات بندی یک سازمان اسلامی و (جهادی) قرار داشته اند و یا هم به نحوی از انحاء چسپندگی به قدرت مندان جهادی داشته اند و فقط غرض حفظ موقعیت و ادامه زندگی ننگین و به دست آوردن (غنیمت) های بیشتر از ملت مظلوم و در بند کشیده ما می خواهند خود را در یک چوکات خاینانه دولتی به نام (شورای ملی ، شورای ولایتی و شورای ولسوالی ها) برای به حق ساختن ، تجاوزات شان بر هستی مردم مظلوم ما و ادامه این چپاولها کاندید و به قدرت برسانند که از گزند انتقام ملت مظلوم حد اقل موقتاً مصون باشند و به همین ملحوظ سالها ست که یوغ بندگی استعمار جهانی را بر دوش می کشند.

گروه دیگر مشتمل بر کسانی اند که تشنه قدرت و زراندازی بوده حرص و میل دارند تا به نحوی از انحاء من حیث شخصیت مبارز؟؟ روشنفکر؟؟ و تحول طلب؟؟ (بی خاصیت) به نفع استعمار خود را مطرح و در جامعه معرفی دارند تا باشد که در آینده نور چشم استعمار گردند

درین زمینه ها به صد ها دلیل و سند وجود دارد که من غرض طولانی نشدن موضوع از یاد آوری و نشر آن منصرف شدم و دوستانی که میل به بحث کشیدن این موضوع و ارائه اسناد از هر گروه و جناح داشته باشند لطفاً پای پیش گذاشته و صحبت دارند ،؟ ممنون و خوشحال می شوم

حال اگر بخواهیم بیطرفانه و انسانی در این مورد قضاوت نمائیم و قضاوت ما نباید مثل راویان شرف باخته اعراب باشد باید همه جریانات مخصوصاً این پروسه انتخابات را به بر رسی ملی و انسانی گرفته و مشروعیت و عدم مشروعیت آن را به نمایش گذاشت.

آیا در چنین شرایطی که مملکت ما بعد از چهار دهه جنگ و تباهی زیر سیطره و اوامر بیگانگان که بر همه امور سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و عملی ساختن تمام پروژه های بنیادی نقش تعیین کننده داشته اند و مردم برای تعیین سر نوشت خود در مجرائی قرار گرفته اند که با خوشبختی و اعتقاد به دین و تبلیغ کنندگان آن که تاراجگران ثروت های ملی ما هستند فاقد قدرت تصمیم گیری سیاسی گردیده اند می توان از (انتخابات آزاد، انسانی و مترقی) صحبت کرد؟؟

نباید فراموش کرد که پشتوانه معنوی این خاینان و چپاواگران همین خصیه مالان شیخک های عربی ریش دار و بی ریش خواهند بود که در تقسیم منافع به دست آمده در آینده سهم خود را بر داشت خواهند کرد، اما قبل از آن باید با عربی گفتن و فریب مردم در مساجد گلو پاره کنند و مدح گویند!!؟؟

ای هموطن باشرف و بی خیر از همه نیرنگ های استعمار! آیا می توانی با مطالعه سیر زمان تاریخ ما از صد ها سال به اینطرف مخصوصاً در این چهل سال اخیر شخصیت ملی، انقلابی، و وطندوستی را در تر کیب قوای دولتی فعلی نشان دهی؟ اگر می توانی؟ و می توانی ثابت سازی؟ من هم با تو هم عقیده می شوم و راه تو را دنبال خواهم کرد.

می دانم ثابت نمودن آن کار خیلی دشواری است چون امروز شرایطی رسیده که کثیف ترین موجو دات کشور ما مثل گلبدین، سیاف، عبدالله، فیشنی، اشرف غنی، خلیلی، محقق، ربانی ها، ظاهر قدیر، قانونی، احدی، پدرام، و صد ها کثافت دیگر از همین نوع با خدمت به بیگانه ها و فروش نوامیس ملی کشور می خواهند بر قدرت در چوکات حکومت دست یافته و بر ملت رهبری خود را تحمیل نمایند و ملت عزیز ما با گیچی کامل و امید به آینده اسیر و سوسه های این شیطین شده که (تا اکنون هم شده اند) به دنبال آنها می روند و این شیادان فتنه انگیز ما را بیشتر به دست بوسی خود شان سوق داده و می دهند تا فهمیدن حقایق زندگی؟

ما زیر فشار های های مستقیم و غیر مستقیم امپریالیسم جهانی با همکاری های بی شائبه خدمت گزاران شان مثل : ملا، مولوی و آنانی که خود را عالم دین؟؟ می خوانند و بر ملت مظلوم و شبح پرست ما خود را تحمیل نموده اند مجبور شده ایم و (باید) بپذیریم که جهان غرب و (دموکراسی شان) نجات دهنده ما است؟؟؟ مثل زمانی که شرفباخته هائی به نام پرچی و حلقی (حزب کراتیک خلق) شوروی و شوروی پسندان را ناجی ما دانسنه و پیروی از آنان و احترام به ایشان و گوش به فرمان داشتن به آنان را مسیری می دانستند که نجات توده ها و خلق ما در آن مضمحل است؟؟

زمانی هم بود که دنباله روان شیخک های عربی (اسلام ناب محمدی) را نجات دهنده خلق های استعمار زده و محروم ما دانسته و به نمایش گذاشتند، تا در فریب این ملت مظلوم و تا اندازه ای بی تفاوت بودن در قبال جریانات سیاسی و اجتماعی جهانی چنین تجلی دهند که فقط و فقط همین اسلام است؟ ناجی بشریت...؟؟!!؟؟ اکنون بررسی هر کدام این موضوعات به اشکال جداگانه و تحلیل یافته وقت زیادی را در بر خواهد گرفت، مدعیان و زباله خوران استعمار همیشه ضجه و فریاد سر می دهند که دموکراسی نوع غربی در فلان مملکت در فلان زمان به نفع توده های محروم بوده است؟؟

همچنان شرفباخته های پرچی و حلقی که اگر هنوز هم در همان افکار عبر انسانی غرق باشند که با کشتار بی نهایت خلق شریف ما مخصوصاً عناصر انقلابی و با شرف کشور زمانی را سپری نموده اند در صورت مداخله آنها در این صحبت ثابت سازم که نه رهبری امریکا، نه شوروی، چین، هند، پاکستان، ترکیه ایران و... هیچ کدام به نفع توده های محروم ما نبوده و نخواهند بود و هیچ نوع تلاش ارتجاعی زیر هر نامی که باشد مخصوصاً به نام انتخابات تحت اداره چنین دولت نوکر و اجیر و مرتجع کمک کننده برای رهائی خلق شریف ما از چنگال استعمار نخواهد بود، با ملاحظه تاریخ، تمام ممالک جهان هر کدام دنبال تأمین منافع خود شان هستند نه رفاه مردم ما و یا هم آزادی ما از

چنگال فقر و بد بختی ها ؟؟؟؟

اگر کسی فکر می کند که کشور های استعماری عاشق چشم و ابروی ما مردم افغانستان هستند و برای بر آوردن منافع استعماری خود اصلاً کاری نمی کنند لطفاً بیائید با هم صحبت کنیم؟ نثرمید، فقط صادقانه صحبت نمائید و برداشت های خود را با مردم و توده های زحمتکش شریک سازید.

این که پارلمان و انتخابات در کشور ما چه تاریخچه داشته و چه سیری را پیموده است؟ یا این که در طول این دوره ها کاندید های انسانی، انقلابی و ملی داشته ایم؟ یا نه ؟ اگر داشته ایم نتیجه مبارزات شان در چوکات چنین پارلمانی از زمانه های قدیم تا امروزه کجا کشید ؟ و نتیجه چه بوده است؟ البته این صحبت را در نوشته های آینده ادامه خواهم داد.